

سلام کودکانه

یک پیشنهاد خوب

سلام. چند روز پیش وقتی آقا معلم می‌خواست تکالیف ریاضی مون رو ببینه من دیدم کتاب ریاضیم تو کیفم نیست. با خجالت گفتم: «تکالیفم رو انجام دادم اما کتابم رو نیاوردم.» آقا معلم لیخند زد و گفت: «اگه هر شب قبل از خوابیدن برنامه فردات رو حاضر کنی چیزی جانمی‌مونه.» منم از اون شب به حرف آقا معلم گوش کردم و هر شب برنامه روز بعد و وسایلی رو که لازم دارم توی کیفم می‌ذارم.

حالادیکه وقتی آقا معلم می‌خواد تکالیفمون رو نگاه کنه، من خجالت نمی‌کشم چون همه دفتر و کتابایی که لازم دارم تو کیفمه.



ارسال نقاشی، قصه،
خاطره، عکس و ...

۰۹۳۵۴۳۹۱۴۵۷۶
۲۰۰۰۹۹۹

تصویر سازی ها : سعید مرادی

شعر

پاکبان های مهر بون

هر روز با چشم‌هام می‌بینم
پاکبان‌های محله‌مون
از صبح تا شب جارو به دست
تو کوچه و تو خیابون

کار می‌کنن خسته میشن
دلم می‌گیره براشون
بالین همه کار زیاد
خندونه هرروز لباسون

یه جارو برقی بزرگ
کاشکی که داشتن همه‌شون
هورت می‌کشید آشغالارو
ازتو خیابون براشون

شاعر: مریم زارعی



احساسات من

خجالت

خجالت یکی از احساسات جالب منه! وقتی خجالت می‌کشم مثل یک سیب قرمز می‌شم، یا مثل آتش داغ می‌شم. یکهو نمی‌تونم هیچی بگم. بابام میگه «آدم بزرگ‌ها هم خجالت می‌کشن، مثلاً وقتی می‌خوان از رئیس‌شون مرخصی بگیرن». اما من دوست ندارم بابام خجالت بکشه وگرنه نمی‌تونه مرخصی بگیره و با هم بریم سفر.

مامانم میگه «خجالت یک وقت‌هایی هم خیلی خوبه اما یک وقت‌هایی لازم نیست.» به نظر من خجالت وقتی که باید جواب سوال یک بزرگ‌تر رو بدیم، درست نیست اما وقتی کار بدی می‌کنیم و بعدش خجالت می‌کشیم، خیلی هم خوبه چون کمک می‌کنه دفعه بعد دیگه اون اشتباه رو تکرار نکنیم. راستی دوستان خوبم چطوره شما هم از احساساتتون برای ما بگین تا توی صفحه چاپ کنیم.



شهر قصه

شهر ما، خانه ماست

من، مژگان و سپیده از مامان و باباهامون اجازه گرفته بودیم و هر روز بعد از تعطیل شدن از مدرسه به پارکی که نزدیک مدرسه بود می‌رفتیم و اون‌جا منتظر خانواده‌هایمان می‌نشستیم. مژگان یه عادت خاصی داشت؛ اون همیشه زباله‌ها رو توی سطل زباله می‌ریخت و از ما هم می‌خواست که این کار رو بکنیم اما ما مرتب به او می‌گفتیم: «ول کن بابا این چه کاریه؟! خب بذار پاکبان پارک میاد و آشغال‌ها رو جارو می‌کنه.» مژگان می‌گفت: «چه اشکالی داره؟ مگه پاکبان‌ها گناه کردن که ما هرچی آشغال بریزیم و بذاریم اونا جمع کنن. مگه نشنیدید خانم بهداشت میگه شهر ما، خانه ماست.» مژگان همیشه آخرین نفری بود که بابایش به



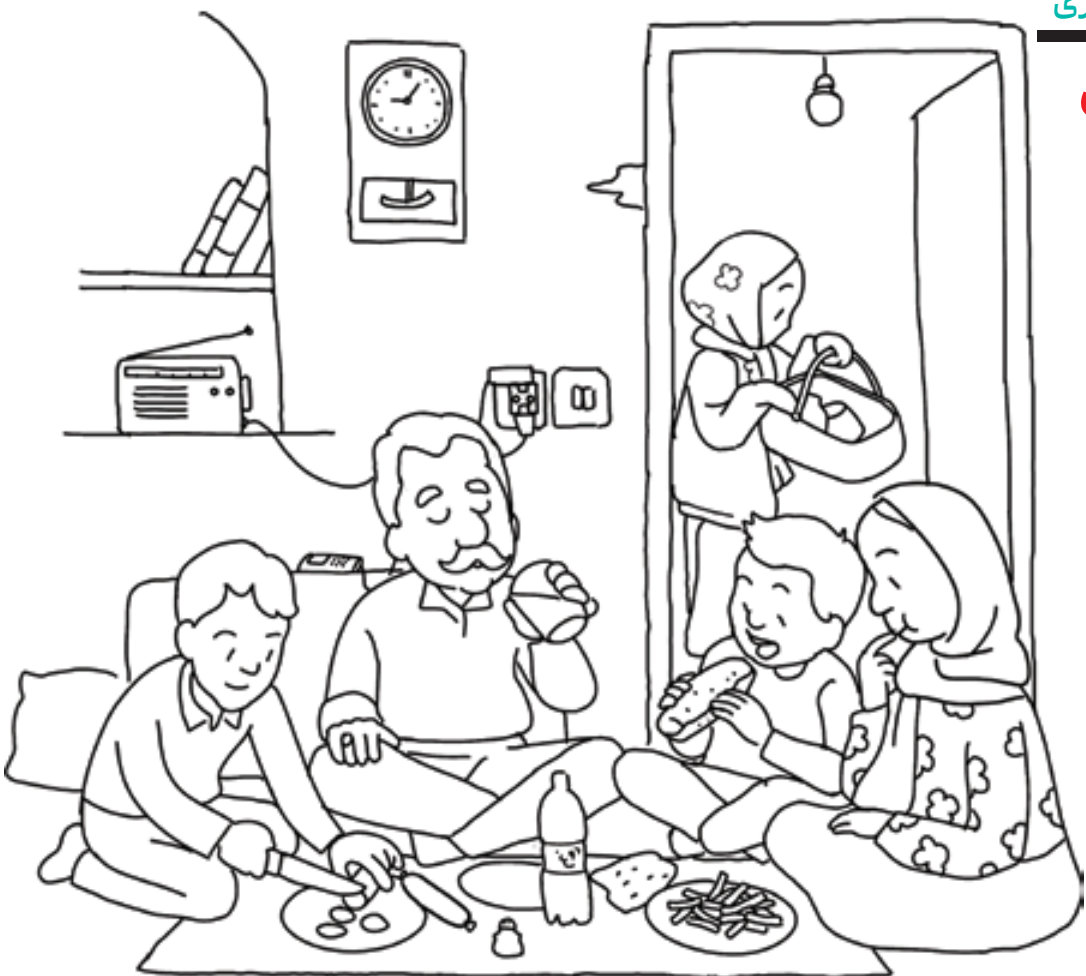
سراغ او می‌اومد. برای همین هیچ کدوم از ما بابای مژگان روندیده بودیم. یک روز برخلاف روزهای گذشته، بابای مژگان زودتر از خانواده‌های ما به سراغش اومد و با رویی گشاده با ما سلام و احوال‌پرسی کرد. با دیدن بابای مژگان ما از حرفی که پیش از این به مژگان گفته بودیم خجالت کشیدیم. اون روز متوجه شدیم بابای مژگان پاکبان همان پارک و فهمیدیم مژگان چقدر باباش دوست داره و دوست نداره باباش خسته بشه. از اون روز به بعد هر موقع می‌خوام آشغالی روروی زمین بندازم، یاد اون روز و احساس خجالتم می‌افتم. برای همین به جای انداختن زباله روی زمین، اون رو تو دستم نگه می‌دارم تا یه سطل زباله پیدا کنم.

نویسنده: غلامرضا مرادی

سرگرمی و رنگ آمیزی

بگرد و پیدا کن

دوستان خوب
فرقه، دست
به کار بشین
و تو نقاشی
زیر دور تمام
چیزهایی رو که
با حرف «س»
شروع میشه
خط بکشین.
بعدش نقاشی
رو به دلخواه
خودتون رنگ
آمیزی کنین.
(راهنمایی:
هفت کلمه رو
باید پیدا کنین.)



دانستنی‌ها

با استاندارد آشنا بشیم

دوستان گلم امروز ۲۲ مهر و روز جهانی استاندارد. وقتی یک وسیله یا خوراکی علامت استاندارد داره یعنی این که این وسیله یا خوراکی آزمایش شده و چیز خطرناک یا مضرى در اون وجود نداره و شما می‌تونین با خیال راحت از اون استفاده کنین.

برخی از وسایلی رو که باید علامت استاندارد داشته باشن در فهرست زیر می‌بینین.

- ✓ مواد غذایی مانند کیک، شکلات، بیسکویت و ...
 - ✓ مواد بهداشتی مانند شامپو، پودر ماشین لباسشویی، خمیر دندان و ...
 - ✓ محصولات مناسب بچه‌ها مانند خمیربازی، اسباب‌بازی کودکان و ...
 - ✓ لوازم خانگی مانند یخچال، بخاری، اجاق گاز و ...
 - ✓ وسایل خانه مانند لامپ‌ها، دوشاخه‌ها، شیرآب و ...
- راستی تا حالا به وسایل دور و بر خودتون برای پیدا کردن علامت استاندارد نگاه کردین؟
- امروز می‌تونین از یه بزرگ‌تر کمک بگیرین و علامت استاندارد روی اجاق گاز، خمیربازی، ماکارونی و خمیردندانی رو که استفاده می‌کنین پیدا کنین.

